

در طول فصل شیردهی دام، تعدادی از زنان دامدار، شیرهای اندک خود را به نوبت «یک کاسه» می‌کنند. یک کاسه کردن شیرهای اندک به فرد دامداران خرد اجازت می‌دهد که محصولات لبنی مورد نیاز خود را تولید کنند. البته این توصیفی بسیار «ساده شده» از واره است کما این‌که جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی واره، مانند مراسم افتتاح واره، مقررات و قواعد گردش شیر، معیارها و روش‌های اندازه‌گیری شیر، ملاحظات جدی در انتخاب هم‌وارگان و غیره که در کتاب واره به تفصیل آمده است. نشان‌گر تنوع و گوناگونی وسیعی (در تمامی این زمینه‌ها) در میان واره‌های مطالعه شده سراسر کشور است.

در کتاب واره، دکتر مرتضی فرهادی هدف کلی پژوهش خود را بدین صورت بیان می‌کند: هدف از این پژوهش، «شناخت اکتشافی و همه جانبه واره به عنوان یک گروه هم‌یار، هم‌گرا، منظم، متشکل و غیر رسمی است» (ص. ۱۱۶). انصافاً مؤلف کتاب در این شناخت اکتشافی و همه جانبه (یعنی تاریخی، اقتصادی، فرهنگی، قومی، جغرافیایی و فنی) سنگ تمام گذاشته است. با انجام این مهم، فرهادی به دو دست‌آورد ارزشمند نایل آمده است:

۱. گردآوری شواهد لازم برای بررسی جامع و سیستمی یک تعاونی کهن و پایدار.
۲. ارائه چک لیستی جامع برای برنامه‌ریزی و طراحی سیستم‌های جدید و پایدار، برای رفع مسائلی توسعه در جوامع مدرن.

فواید نظری و علمی دست‌آورد اول مؤلف، برای علاقه‌مندان و پژوهندگان رشته‌های مختلف دانشگاهی از جمله تاریخ، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی پرواضح است. لذا در این مقاله تحلیلی تلاش شده است که بیشتر بر تبعات دست‌آورد دوم، یعنی کاربرد یافته‌های این پژوهش در حل مسائلی توسعه در جوامع مدرن تمرکز شود. بدین منظور، جادارد که بحث حاضر را با توجه علمی مفهوم سنتی «برکت» (که در کتاب واره نقش‌محوری دارد) آغاز

نامه انسان‌شناسی

دوره اول، شماره چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۸۲
صص. ۲۴۳-۲۵۵

واره: نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران، نویسنده: مرتضی فرهادی، تهران، وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری ۱۳۸۰.

اسفندیار عباسی *

در جستجوی برکت در قرن بیست و یکم؛ برنامه‌ریزی سیستمی، مسایل توسعه و دانش بومی یاری‌گری

واره سازمانی است سنتی، غیر رسمی، کهن و گسترش یافته در اغلب مناطق ایران، با کارکردهای مرکب، که از تلاشی برخی گونه‌های تعاونی بسیار کهن و ماقبل تاریخی، زاده شده و به خاطر اقتصادی کردن دام‌داری معیشتی و نیمه معیشتی در زمینه تولید فرآورده‌های شیری (رسا کردن میزان شیر و سازمان‌دهی روند استفاده بهینه از شیر و نیروی کار و صرفه‌جویی در این دو عامل) و به خاطر ماهیت شیر و زمینه فرهنگی و تقدس شیر و برآوردن برخی نیازهای اجتماعی-روانی هم‌وارگان، تا به امروز تداوم یافته است (ص. ۱۱۵).

ظاهراً، همانند دیگر سنت‌های یاری‌گری در جوامع محلی ایران، واره نیز راه حلی اجتماعی و فرهنگی برای استفاده مشارکتی (و با بهره‌وری بالاتر) از منابع بوده است. طرز کار واره، به طور ساده و خلاصه، چنین است که

* کارشناس اطلاع‌رسانی و آنالیز سیستم‌ها، شبکه دانش بومی و توسعه سالم.

هم‌واره‌ها می‌باشد و می‌گوید: «خدا بدهد، خدا بیشتر بدهد».

در یکی از مراسم خاص واژه، موسوم به «مبارک‌باد»، هم‌واره‌ها خود را موظف می‌دانند که به سرواژه، مبارک‌باد بگویند و به او سخنانی حاکی از خیرخواهی، سعادت و دارایی بگویند چون «بر این باورند که این کار در افزایش شیر دام‌ها و برکت دام و واژه تأثیر فراوان دارد. مثلاً در روستاهای بروجرد، مانند آبدر، زرشکه، ده بصری و کرتوت اسدخانی، هم‌واره‌ها به مشکه‌دار (صاحب‌واره) می‌گویند: «مبارک باشد» و پاسخ می‌شوند: «روی‌تان مبارک» و سپس هم‌واره‌ها می‌گویند: «شیر من بشود کوه خیر برای تو». و یا در میان روستاها و ایلات و عشایر سیرجان و بافت، بردسیر و شهر بابک، «سرواژه، خواجه خضر را سوگند می‌دهد که هم‌واره‌هایش را از چشمه‌اش محروم نسازد» (ص. ۳۹۵).

البته ناگفته نماند که از دیدگاه معرفت‌شناسی جزءنگر^۴ و اثبات‌گرای^۵ علم غرب (که برای شناخت واقعیت تنها به عوامل فیزیکی قابل مشاهده و قابل اندازه‌گیری متکی است)، «برکت» فاقد توجیه علمی است. اما باور به برکت در میان پیشینیان ما چنان بوده است که داستان‌ها، سنت‌ها و رسوم بسیار متعددی در تفهیم و انتقال این ارزش اجتماعی و فرهنگی به نسل‌های بعد، به یادگار مانده است.^۱ جالب توجه این‌که گسترش و تکامل

کنیم تا جای‌گاه کتاب واژه و یافته‌های ارزش‌مند آن در چاره‌جویی‌های توسعه در عصر حاضر روشن‌تر شود.
برای افرادی که با مفاهیم و باورهای سنتی جوامع محلی ایران بیگانه نیستند، آشنایی با واژه و پایداری دیرینهٔ این تشکل کهن، یادآور و مؤکد مفهوم «برکت» است. نقش بسیار آشکاری که در مراسم واژه به «سفیدمانی»، «آب» و «سبزی» اختصاص داده شده است، حاکی از فراخوان آگاهانهٔ برکت از سوی واژه‌داران است. گویی تشکل واژه، به همان اندازه که برای «یک کاسه کردن» شیر است، تلاشی آگاهانه و جمعی برای طلب برکت نیز بوده است. صریح‌ترین اشاره به برکت در توصیف «شیر طبق» یا «سرچق»^۲ آمده است:
«در نزدیکی سیرجان، در واژه‌های طایفه کورکی از ایل قرایی، روز شروع پیمان‌ها کردن شیر، سرواژه «خانه‌اش را پاکیزه کرده، لباس نو می‌پوشد، شیرها را از هم‌دون‌ها (هم‌واره‌ها) تحویل گرفته، در ظرفی مناسب می‌ریزد و مایهٔ پنیر می‌زند و حصیری بافته از نی را که سرچق نامیده می‌شود روی ظرف می‌گذارد و پارچهٔ تمیزی روی آن می‌کشد. سپس مقداری نمک، سبزی، هم‌راه با آینه و قرآن و هم‌چنین پل (چوب‌دستی چوبان) و ترش ترشه^۳ (تموبرهٔ چوبانی) و کفش چوبان، شیرینی، سرمه‌دان و بایده (ظرف شیردوشی) چوبان را روی سرچق قرار می‌دهند و می‌گویند: «یا خواجه خضر، دست از من، برکت از تو» (ص. ۴۰۴).

یا در جایی دیگر (ص. ۳۹۳) می‌خوانیم که در طایفه آل سعدی، ایل خمسهٔ فسا، در شب اول هم‌دان (واژه)، صاحب واژه (صاحب نوبت برای دریافت شیر) کمی آب به صورت

^۱ - معانی زیر برای لغت عربی البرکه آمده است: سعادت؛ نیکبختی، دعای خیر، افزایش، زیادت.

^۲ - sar ceq

^۳ - terestorba

^۴ - reductionist

^۵ - positivist

^۶ - یکی از این داستان‌های به یادماندنی بدین شرح است: یکی بود یکی نبود. غیر از خدا هیچ کس نبود. تو تا برادر بودن (بودند)، یکیش متاهل بود و یکیش مجرد. اینا یک مزرعه داشتن که با هم درو کردن و با هم خرمنش را قبه کردن، دو تاسیم. الاغ ورداشتن که برن سه‌ماهشون را بیارن، یه راه برا (برای) زن داره بیارن و یه راه برا بی زنه، برا زن داره که بارکردن، اون برادر بی زنه اونجا موند و به خودش گفت: خب برادرم زن داره، بچه داره، خرجش زیاده، و به دو تا قلور (غریال) از قبه خودش ورداشت

تشکیل می‌دهد، با شناخت‌شناسی متداول علم غرب متفاوت است. از دیدگاه متداول علم غرب، برای شناخت هر چیزی (یا پدیده) کافی است که آن را بشکافیم و اجزای متشکله آن را خوب بشناسیم. اما از دیدگاه سیستمی علم نوین:

۱. قابلیت‌ها، عمل‌کردها، خواص و استعدادها هر چیز (سیستم)، فراتر از حاصل جمع فیزیکی اجزای متشکله آن است، و
۲. شناخت هر چیز (سیستم)، بدون بررسی پیوندهای بیرونی آن با سیستم‌های بزرگ‌تر میسر نیست.

توضیح این‌که، سیستم‌های بی‌شماری در جامعه و طبیعت اطراف ما قابل مشاهده و مطالعه است. از مشاهده دقیق تمامی سیستم‌های بی‌جان و جان‌داری که می‌بینیم، به نتیجه‌ای بسیار آشکار و انکارناپذیر می‌رسیم: یک سیستم کامل و کارآمد، از نظر ویژگی‌های ماهوی و کارکردی، از مجموع اجزای متشکله خود بیشتر (کامل‌تر) است. برای مثال، اگر اجزای متشکله یک خودرو را کنار هم قرار دهیم، خودرو قادر به حرکت نخواهد بود. هم‌چنین، اگر کلیه جانوران و گیاهان یک محیط طبیعی نابود شده را در محوطه‌ای گردهم آوریم، زیست‌بوم طبیعی و زنده قبلی احیا نخواهد شد. پس، برای این‌که سیستمی کارآمد داشته باشیم، چیزی بیش از اجزای متشکله آن (یعنی چیزی بیش از اجزای فیزیکی، قابل مشاهده و قابل اندازه‌گیری آن) نیاز داریم. این «چیز» همانا ارتباطات درونی بین اجزای سیستم است. وقتی پیوندهای لازم بین اجزای متشکله سیستم مورد نظر کامل و کارآمد می‌شود، در واقع، پس از برقراری پیوندهای درونی لازم بین اجزای یک سیستم، این مجموعه قادر به کار (یا کارهایی) می‌شود که قبلاً از عهده هیچ یک از اجزا به تنهایی و یا با هم، ساخته نبود. این توان(های) ممتاز سیستم، همانا «برکت» سیستم جدید شده است. برکت همانا ثمره (یا ثمرات) ناشی از ایجاد

دیدگاه سیستمی^۷ در مطالعات علمی امروز، توجیهی کاملاً علمی و مستدل برای مفهوم برکت فراهم آورده است.

برکت: ره‌آورد تفکر و عمل کرد سیستمی

برای روشن شدن این نکته که برکت ره‌آورد تفکر و عمل‌کرد سیستمی است، مقدمه‌ای مختصر در مورد معرفت‌شناسی سیستمی ضروری است: شناخت‌شناسی نوین در علم، که بر بررسی سیستمی چیزها و پدیده‌ها تأکید دارد، عمدتاً برخاسته از درک عمیق اندیشمندان امروز از اثرات سوئی است که روش زندگی انسان‌ها در عصر مدرن، بر کل طبیعت داشته است. تأثیر ویران‌گر سلیقه‌های مصرفی مردم بر سیستم‌های حیاتی و حیات‌بخش کره زمین (مانند چرخه آب، چرخه اکسیژن و سیستم تنظیم دمای کره)، غالب اندیش‌مندان را متقاعد کرده است که طبیعت (و هر آنچه که درون آن است، از جمله جوامع انسانی) مجموعه‌ای منظم، تودرتو و به هم پیوسته از «سیستم‌ها» است. نگرش سیستمی، که اساس شناخت‌شناسی نوین را

ریخت رو قبه این برادر زن داره. این دفعه برا این برادر بی زنه گندم بردن. این برادره به خودش گفت: برادرم هنوز زن نگرفته، خرجش خیلی می‌شه. یه دو تا قلویر از خرمنم و درادم بریزم رو خرمن برادرم که اون کارو بارش چاق‌تر بشه و زودی زن بگیره، خلاصه، می‌این یه راه برد و می‌اون یه راه برد. می‌این دو تا قلویر می‌ریخت رو قبه اون و می‌اون دو تا قلویر می‌ریخت رو قبه این. تا شوم (شب)، که بردن، دیدن خرمنه طی (تمام) نمیشه. آخرش، برادرا افتادن به همدیگه، گفتن: پس چرا این خرمنای طی نمی‌شه؟ گفت: برادر، راه اولی که تو رفتی، من دو تا قلویر ریختم رو خرمنم، گفت: برادر، تو که اون بار دوم رفتی، منم (من هم) دو تا قلویر ریختم رو خرمنم، گفتن: خوب چون ما به هم بخشیدیم، خدا هم به دوتامون بخشیده. الهی شکر، صد هزار مرتبه شکر (راوی پیدالله هدایتی، گردآورندگان: اسفندیار عباسی و حمیرا شریفی، شبکه دانش بومی و توسعه سالم، ۱۳۷۸)

Koestler, 1971; Wilber, 1995). توجه ما به ماهیت و عمل‌کرد سیستمی چیزها و پدیده‌ها در طبیعت و جامعه موجب شده است که راه‌کارهای توسعه در جامعه مدرن نیز ناقص و ناکارآمد باشد.

برنامه‌ریزی و طراحی غیر سیستمی (ناپایدار) در جامعه مدرن

متأسفانه، اثر سوء دیدگاه علم جزءنگر بر شناخت ما از مسایل (از جمله مسایل زیست محیطی، بهداشتی، اجتماعی (چه در شهر و چه در روستا)، تربیتی، اقتصادی و فرهنگی) چنان محدودکننده بوده است که چاره‌جویی‌های قرن بیستم (در تمامی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه) به راه‌حل‌های مقطعی، ناقص و ناکارآمد محدود مانده است. می‌توان به جرأت گفت که طرح‌های توسعه، به‌طور کلی از مزایای بسیار توانا و توان‌مندساز برنامه‌ریزی و طراحی سیستمی و نتیجتاً تبعات مطلوب (و برکات گوناگون) آن، از جمله پایداری، بی‌بهره بوده است.

برای مثالی واضح و ملموس، لحظه‌ای به مسئله ترافیک و آلودگی هوا در کلان‌شهرها بپندشیم. از دیدگاه جزءنگر، مسئله ترافیک شهری ناشی از کثرت اتومبیل‌ها، بازرگی خیابان‌ها و احتمالاً کمبود آزادراه‌ها، پارکینگ‌ها و پمپ بنزین‌ها تلقی می‌شود. (به ماهیت فیزیکی تمامی این عوامل دقت شود). این علت‌شناسی محدود، معمولاً به اقداماتی محدود (با تأثیر کوتاه مدت)، مانند عریض کردن خیابان‌ها، کوچک‌تر کردن اندازه خودروها، احداث آزادراه‌های جدید و پارکینگ‌ها و پمپ بنزین‌های بیشتر، منجر می‌شود. اما تجربه کلان‌شهرهای دنیا (از جمله تهران) عیناً نشان می‌دهد که این راه‌کارها نه تنها مؤثر نیستند بلکه به تشدید مسئله ترافیک و آلودگی هوا،

پیوندهای مناسب و هدف‌مند بین چیزهای جدا از هم برای تشکیل سیستمی کامل، کارآمد و پایدار است.

واضح‌ترین مثال‌های برکت در علم شیمی یافت می‌شود. نمک طعام با خواص سدیم و یا کلر قبل از ترکیب، کاملاً متفاوت است. این تفاوت همان برکت ترکیب هدف‌مند سدیم و کلر است. نشان دادن پدیده برکت در ترکیبات شیمیایی آسان است، اما نشان دادن این پدیده در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، فکری و روانی به همان اندازه دشوار است. از این روست که نیاکان ما برای تشویق کاربست و انتقال اعتقاد به اثر ممتاز و معجزه‌آسای عمل‌کرد سیستمی در جامعه (یعنی طراحی راه‌کارهای پایدار با در نظر گرفتن تمامی پیوندهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و قومی) به نسل‌های بعد، از استعاره در ادبیات شفاهی و سمبولیسم در مراسم اجتماعی و فرهنگی کمک می‌گرفته‌اند.

ناگفته نماند که از دیدگاه شناخت‌شناسی سیستمی، علاوه بر پیوندهای درونی یک سیستم، پیوندهای بیرونی آن نیز می‌باید بررسی و شناخته شود. مثلاً، شناخت سلول، تنها با شناخت اجزای متشکله و پیوندهای درونی آن کامل نیست. یعنی، مطالعه سلول باید با توجه به اندامی که در آن است (مثلاً قلب) انجام شود. اما قلب نیز خود درون سیستمی بزرگتر است، (مثلاً بدن انسان)؛ و انسان نیز در سیستمی بزرگتر (جامعه و فرهنگ)؛ و جامعه و فرهنگ نیز در سیستمی بزرگتر (یعنی محیط جغرافیایی و اقلیمی)؛ و این محیط نیز درون سیستمی بزرگتر (همانا زیست بوم) قرار دارد. از این رو، هرچه گستره تحقیقات ما فراگیرتر و جامع‌تر باشد، شناخت ما از آن چیز و یا آن پدیده کامل‌تر و جامع‌تر خواهد بود.

اما تمرکز و پافشاری بر جزءنگری و تخصص‌گرایی در علم متداول، انسان مدرن را از بینش سیستمی و پیوندهای بین‌اجزای هستی غافل ساخته است. (Harman, 1995)

و لذا برای حل این معضل باید سیستمی ابداع کرد که کلیه این عوامل را به نوعی شامل شود. (نک به قاب پایان مقاله)

البته نمونه‌های خطاهای فاحش در چاره‌جویی‌های توسعه مدرن، که ناشی از نگرش جزءنگر است، کم نیستند: کشاورزی شیمیایی، طب شیمیایی، انرژی اتمی و مهندسی ژنتیکی، از یادگارهای تفکر توسعه ناپایدار و ناسالم قرن بیستم است. البته راه‌کارهای ناکارآمد (غیر سیستمی) را به راحتی می‌توان تشخیص داد: اگر چه این راه‌کارها در ابتدا، شگفت‌آور، مفید و مؤثر جلوه می‌کنند، اما با گذشت زمان آشکار می‌شود که، به قول قدما، «آخر و عاقبت ندارند». یا به عبارت امروزی‌تر، «پایدار» نیستند. تا کی می‌شود جاده‌ها را عریض‌تر کرد، شهرها را بزرگ‌تر نمود و پارکینگ‌های عریض‌تر و یا مرتفع‌تر ساخت؟ تا کی می‌شود، سطح بیشتری را زیر کشت برد، گندم بیشتری کشت کرد و جمعیت‌های بیشتری به وجود آورد؟ پس تعجب‌آور نیست که اندیش‌مندان قرن بیست و یکم متوجه ضرورت اتخاذ نگرشی سیستمی و طراحی راه‌حل‌های چند جانبه و جامع‌تر در حل مسایل توسعه شده‌اند.^۹

کتاب واره معرف و توصیف‌کننده تبلوری تاریخی و هوش‌مندانه از تفکر و طراحی سیستمی است. براساس آن چه مرتضی فرهادی در مورد واره یافته است، این تشکل محلی یکی از پایدارترین سیستم‌های اقتصادی تاریخ بشر بوده است. انتشار کتاب واره، که تاکنون بسیار فروتانه و بی‌سروصدا مانده است، چالشی عظیم پیش پای برنامه‌ریزان و طراحان توسعه پایدار در ایران و جهان گذاشته است:

^۹ - برخی از این اندیش‌مندان معتقدند که اعتقاد به نگرش سیستمی و ابداع راه‌کارهای پایدار برای حل مسایل توسعه، دگرگونی عمیقی در تفکر توسعه و مفهوم پیشرفت و تمدن به وجود آورده است. (عباسی، ۱۳۸۱)

بیشتر دامن زده‌اند.^۸ به عبارت دیگر، علت‌یابی جزءنگر و چاره‌جویی فیزیکی (همراه با راه‌کارهای صرفاً اقتصادی، مانند جریمه‌های سنگین‌تر) قادر به جلب هم‌کاری رانندگان و کاستن از شدت مسئله ترافیک کلان‌شهرها نبوده است. اما از دیدگاه سیستمی، مسئله ترافیک در کلان‌شهرها، مسئله‌ای اجتماعی، فرهنگی، فنی، اقتصادی، محیطی و روانی است

^۸ - از آشکارترین پیوندهای سیستمی که اخیراً مورد توجه کارشناسان قرار گرفته است ارتباط بین پدیده گل‌خانه‌ای (یعنی گرم شدن کلی کره زمین) و گسترش کلان‌شهرها (پدیده‌ای موسوم به sprawl) است. افزایش تولید گازهای گل‌خانه‌ای حاصل از ترافیک شهری در سراسر دنیا (به ویژه افزایش تعداد اتومبیل‌های شخصی تک سرشین)، کارشناسان امور ترافیک را متوجه تأثیر معکوس سیاست‌های کنونی در برنامه‌ریزی شهری کرده است. بر اساس مطالعاتی که توسط انستیتو ترابری نگزاس (Texas Transportation Institute/TTI) انجام شده است، تعداد و طول مدت راه‌پندان‌ها در لوس‌آنجلس و آتلانتا در ایالات متحده از دیگر شهرهای کشور بیشتر است. اما در این دو شهر تاکنون بیشترین اقدامات برای جاده‌سازی جهت رفت آمد ترافیک اتومبیل‌های سواری صورت گرفته است. براساس این مطالعات و دیگر مستندات مشابه، غالب کارشناسان ترافیک آمریکا بر این باورند که احداث جاده بیشتر عملاً به افزایش تعداد اتومبیل‌های شخصی منجر می‌شود. یکی از این متخصصان، آقای مایکل رپلوگل (Micheal Ropleg) به مزاح گفته است: دیگر شکی نمانده که تعریض جاده‌ها و خیابان‌ها در محدوده شهر، به منظور کاستن از بار ترافیک، مثل پوشیدن شلوار گشادتر به امید لاغر شدن است. برای اطلاع بیشتر در مورد مطالعات مربوط به امور ترافیک شهرها به سایت www.transact.org رجوع کنید.

آیا در جهان امروز، ما می‌توانیم سیستمی به پایداری واره طراحی کنیم؟

واره: نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران

کتاب واره شامل ۱۱ فصل و ۶۲۹ صفحه، کامل‌ترین سند پژوهشی موجود دربارهٔ واره است. در واقع این کتاب، جلد دوم از مجموعه‌ای چند جلدی از همین نویسنده پیرامون انواع یاری‌گری‌های سنتی ایران است. (جلد ۱: فرهنگ یاری‌گری در ایران: یاری‌گری سنتی در آب‌یاری و کشت‌کاری. تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳) در مقدمهٔ کتاب واره، مرتضی فرهادی، به گونه‌شناسی واره به عنوان نوعی «هم‌یاری هم‌گرا» (یا هم‌یاری تجمیعی) می‌پردازد. ناگفته نماند که گونه‌شناسی مفصلی از انواع یاری‌گری‌های سنتی در جلد ۱ آمده است که بی‌شک از خواندنی‌های اساسی نظراحان و برنامه‌ریزان سیستم‌های اجتماعی در ایران است. مقدمه کتاب واره هم‌چنین شامل بحث مفصل و مستدلی پیرامون اهمیت و ضرورت شناخت تشکلی سنتی واره در جامعهٔ مدرن امروز است. در این بخش، که خود دقتی کامل و مستقل است، فرهادی دلایل شخصی خود برای شروع پژوهش واره، لزوم بومی‌سازی علوم اجتماعی ایران، و مثال‌های متعددی از الگوپردازی‌های معاصر از تشکلی‌های سنتی در کشورهای مختلف دنیا را آورده است.

در فصل نخست کتاب، کلیات واره، مطالبی پیرامون روش تحقیق این اثر، همراه با چندی از ملزومات و ملاحظات پژوهشی برای علاقه‌مندان تحقیقات میدانی در علوم اجتماعی آمده است. در این فصل، نام اماکن (بیش از ۲۲۰ جا از سراسر کشور) و ویژگی‌های ایلی، راویان و مصاحبه‌شوندگان نیز آورده شده است. در بدنهٔ اصلی کتاب (فصل‌های ۲-۱۰)، موضوعات زیر به طور مستند، مفصلاً مورد بحث قرار گرفته است: پیشینهٔ تاریخی واره در

فرهنگ و اقتصاد محلی ایران (فصل ۲)؛ ملاحظات فرهنگی در تشکیل و تداوم واره (فصل ۳)؛ دلایل اقتصادی و اجتماعی تداوم واره (فصل ۴)؛ جزئیات فنی تشکلی‌سازی در واره (فصل ۵)؛ عوامل جغرافیایی و آب و هوایی همراه با مجموعه‌ای جذاب و آموزنده از جشن‌ها، رسومات و باورهای محلی برای تقویت هم‌بستگی، اعتماد متقابل و هم‌دلی هموارگان (فصل ۶)؛ چگونگی تحویل شیر و پیمانه کردن آن (فصل ۷ و ۸)؛ و بالاخره قواعد گردش شیر و تعطیلات واره (فصل ۹ و ۱۰). فصل ۱۱ کتاب شامل فهرست‌های کتاب (به طور جداگانه) شامل فهرست نام اشخاص؛ نام طوایف، عشایر و اقوام؛ نام جای‌ها؛ اصطلاحات و واژگان محلی؛ جداول، طرح‌ها و تصاویر و نقشه‌هاست. این بخش هم‌چنین شامل منابع و مؤخذ (شفاهی و کتبی) مؤلف است.

به جرأت می‌توان گفت که شگفت‌آورترین و آموزنده‌ترین ویژگی واره، هماهنگی اجتماعی اعضای این تشکلی سنتی است. خوانندهٔ کتاب واره می‌آموزد که در زمان پیمایش شیر، همهٔ اعضا می‌باید حضور داشته باشند. یعنی در طی روز، همهٔ اعضا، می‌باید یک یا دوبار، هم‌زمان در خانهٔ صاحب‌واره گرد هم آیند، شیر را به دقت و نظارت همگی اعضا پیمانه کنند و سپس به کارهای دیگر خود بازگردند. تعداد اعضای و از ۲ تا ۱۵ نفر (حتی در خراسان، گاه تا ۲۰ نفر) مشاهده شده است (ص. ۳۶۵). حتی دیده شده است که تعدادی از واره‌های کوچک‌تر به هم متصل می‌شده‌اند و وارهٔ بزرگ‌تری تشکیل می‌داده‌اند. مسلماً با تمامی مشغله‌های کاری و خانوادگی زن روستایی و عشایری، با این تعداد از اعضا، هرگونه تأخیر در رسیدن زنان به محل شیرپیمی در موعد آن، موجب فروپاشی نظام واره می‌شد. ناگفته نماند که برخی از زنان که هم شیر گوسفند و بز و هم شیر گاو داشتند، هم‌زمان در دو وارهٔ مجزا عضو بوده‌اند (ص.

جمله معیارهای بسیار مؤثر اجتماعی و فرهنگی برای پذیرفته شدن زنان در واره برشمرده است. مسلماً در این نظام اقتصادی مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، «اخلاق» نقش بسیار گرانی داشته است و لذا در واره‌ها جایی برای لچری، سلیطه‌گری، دویه هم‌زنی، شورچشمی و نظرتنگی نبوده است (صص. ۳۷۸-۳۲۶).

دقت در پیمایش شیر نیز از ویژگی‌های ممتاز نظام «یاری‌گری» واره بوده است. در پایان کار واره (در پایان فصل شیردهی دام‌ها)، هیچ‌یک از اعضای واره نباید بستان‌کار و یا بده‌کار باشد. نوبت هم‌وارگان (همان‌ا گردش شیر) در ابتدا، با سرواره آغاز می‌شود. (سرواره معمولاً ولی نه همیشه) زنی است که بیش از دیگر اعضا شیر دارد. اول همه اعضا شیرهای خود را به سرواره می‌دهند. سپس نوبت به نفر دوم و سپس نفر سوم و الی آخر می‌رسد. دریافت‌کننده شیر (صاحب واره) در نوبت خود، آن قدر از دیگر اعضا شیر دریافت می‌کند تا بدهی دیگران به او تسویه شود.

سپس نوبت به نفر بعدی می‌رسد. برای این‌که حق کسی پایمال نشود و انصاف کاملاً رعایت شود، در هنگام تحویل شیر، پیمایش «حساب‌داری» دقیق برقرار است. برای پیمایش دقیق شیر از روش‌های متفاوتی استفاده می‌شده است، از جمله روش پیمانانه کردن با ظروف، روش سوزن‌کشن و روش لاله‌گذاری (با چوب، انگشت و یا آرد و خاکستر). در جاهای مختلف کشور، از ابزار مختلفی برای سنجش مقدار شیر استفاده می‌شده است: چوب‌خط‌های مدرج (مثل کت^{۱۰} در ناتر کلاردشت چالوس)، ظرف‌های مدرج (مثل لیچه در روستاهای ملایر، کلز^{۱۱} و جوله^{۱۲} در دهکده سما در

۱۰۶). با توجه به پیچیدگی نظام نوبتی و گردش شیر در واره‌ها، به راستی که در مقایسه با تشکلات غیر رسمی و (حتی رسمی) امروز جامعه، این درجه از انضباط جدأ بی‌مانند و ستودنی است. مؤلف کتاب این دست‌آورد عظیم اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی را به زبان آمار و ارقام این چنین بیان می‌کند:

اگر میانگین اعضای واره را ۵ نفر در نظر بگیریم، در سال ۱۳۳۵ حدود ۴۰۰ هزار سازمان تعاونی غیر رسمی و کوچک بی‌آوازه واره داشتیم که حدود ۲ میلیون عضو داشته‌اند. بدین ترتیب، ۱۰ میلیون روستایی و عشایر، از کل ۱۸ میلیون جمعیت ایران، به طور مستقیم تحت تأثیر این سازمان کوچک اما بسیار فراگیر قرار داشته‌اند و اگر میانگین شیر تولیدی به ازای هر عضو را روزانه ۲/۵ کیلو در نظر بگیریم، روزانه حداقل حدود یک میلیون لیتر شیر را گردآوری و به فرآورده‌های شیری تبدیل می‌کرده‌اند؛ یعنی ۷/۵ برابر ظرفیت فعلی و واقعی سه کارخانه شیر پاستوریزه اراک، و کارخانه شیر پاستوریزه شیراز و کارخانه پنیرسازی گلپایگان (ص. ۱۰۶).

مسلماً این درجه از انضباط و هم‌آهنگی از برکات سیستمی نظام واره است که صرفاً برانگیزه اقتصادی اعضا برای سود بیشتر استوار نبوده است.

در نظر گرفتن کلیه عوامل و انگیزه‌ها در عمل‌کرد پایدار و منظم این تشکل اقتصادی، در شیوه‌گزینش هم‌وارگان نیز کاملاً مشهود است: شکی نیست که ملاحظات اقتصادی، هم‌چون مرغوبیت و مقدار شیر، از معیارهای مهم گزینش هم‌واره‌ها بوده است. اما فرهادی، «هم‌گله» بودن، «هم‌سایه» بودن، درست‌کاری، پاکیزگی و تن‌درستی، حس یاری‌گری و خواهش‌پذیری (خواهش دیگران را به زمین نینداختن)، «خوش‌پی» بودن (کسی که بعد از او شیر را تحویل گرفتن برکت می‌آورده است)، وقت‌شناسی، خویشاوندی، مذهب، شان و منزلت اجتماعی و «خودی بودن» را نیز از

10 - Kat

11 - Kalez

12 - Jule

عضو کم شیر رد کردن»، از شگردهای دقیق و هوشمندانه‌ای است که به منظور ایجاد تعادل در تبادل شیر بین هم‌وارگان به وجود آمده است (صص. ۴۸۵-۴۸۱).

دو درس بزرگی وارِه

به راستی که کتاب وارِه بسیار مفصل‌تر از آن است که بتوان آن را در فضایی چنین محدود، آن‌طور که بایسته و شایسته است مورد بازیابی و تحلیل قرار داد علاوه بر این، نظر به تخصص خواننده، هر فرد علاقه‌مند و نکته‌بین، برداشت‌های بسیار متفاوتی از اطلاعات سرشار این کتاب تواند داشت. دو برداشت اصلی نگارنده این سطور، «کتاب وارِه را در دو واژه می‌توان خلاصه کرد: «فرهنگ» و «عدالت».

بدون شک، به لحاظ چیرگی اقتصاد پولی بر جامعه مدرن، یکی از مفروضات متخصصین و عامه مردم این است که عوامل و ملاحظات اقتصادی، مردم را هم‌آهنگ، هم‌صدا و هم‌گام می‌کند. (اخذ آب‌بهای بالاتر برای تشویق شهروندان به مصرف عاقلانه‌تر آب و یا اجرای طرح ترافیک و اخذ انواع جریمه‌ها برای نظام بخشیدن به ترافیک خودروها در کلان شهر تهران، نشانه‌هایی زنده از این طرز تفکر است.) اما در بررسی موشکافانه وارِه آشکار می‌شود که گذشتگان ما، انگیزه شروع و تداوم همکاری بین مردم را صرفاً در منافع اقتصادی افراد نمی‌دیدند. همان‌طور که در کتاب وارِه مفصلاً آمده است، جنبه‌های فرهنگی این تشکل اقتصادی و محلی، بسیار عمده و در تداوم و پایداری آن نقشی کلیدی داشته است. رعایت اصول فرهنگی و پایبندی به مراسم خاص وارِه‌داری، بدون شک، نقش مهمی در ایجاد هماهنگی و انضباط لازم برای عمل‌کرد مؤثر این تشکل داشته است. مرتضی فرهادی می‌نویسد:

نوشهر، و تاگل^{۱۳} و گالد^{۱۴} در فوشکور کلاردشت. برای حسابداری، از چوب‌خط، حافظه و یا علامت‌گذاری روی دیوار استفاده می‌شده است. حساب‌ها یا نزد صاحب وارِه (بده‌کار) و یا نزد اعضای اهدا کننده شیر (بستان‌کار) نگهداری می‌شده است. طبعاً اعتقاد راسخ به تقدس شیر (سفیدمانی)، رعایت دقیق معیارهای گزینشی در هنگام انتخاب هم‌وارگان و باور عمیق اعضای وارِه به اصول اخلاقی، احتمال هرگونه سوء استفاده و مخدوش کردن حساب‌ها توسط اعضا (چه صاحب وارِه و چه هم‌واره‌ها) را بعید می‌ساخته است.

ملاحظات اخلاقی و اجتماعی، از جمله رعایت انصاف و عدالت اجتماعی، نه تنها در پیمایش و حساب‌رسی دقیق بدهی‌ها، بلکه در رعایت حال طبقات کم بضاعت جامعه نیز کاملاً آشکار است. نظام وارِه طوری سازمان یافته است که هر زنی، با هر میزان شیر بتواند به عضویت این تشکل درآید و در نتیجه قادر به تولید فرآورده‌های شیری (حداقل برای مصرف خانوار) شود. معمولاً اعضای وارِه سعی می‌کنند که با زنانی هم‌واره شوند که تقریباً به یک میزان شیر دارند. اما گاه به لحاظ نوسانات شیر در طی شیردهی (به دلایل مختلف، از جمله مرگ و میر دام) شگردهای خاصی برای تبادل شیر به وجود آمد، است که حتی «یک بزدار هم بتواند در وارِه شرکت کند» (ص. ۴۸۱). در این خصوص، فرهادی از ضرب‌المثلی لری کمک می‌گیرد که «یک بزدار هم مشکه می‌زند». (بالاخره نوبت به فقرا نیز خواهد رسید) و آنچه مشکه زدن برای یک بزدار را میسر می‌کرده است عضویت در وارِه است. روش‌هایی چون «وزی آروزی»^{۱۵}، «سرپری»^{۱۶}، «قی ترب»^{۱۷} و یا «یک نوبت از

¹³ - Takel

¹⁴ - Galdem

¹⁵ - ovari

¹⁶ - sarpari

شواهدی بسیار گویاست. حتی تحقیق نشان می‌دهد که فروپاشی. واره‌ها تا اندازه‌ای به دلیل عدم توانایی واره‌داران در رعایت انصاف، در شرایط جدید تولیدی امروز بوده است.^{۱۸}

نتیجه‌گیری

بیش از دو دهه از آغاز تلاش‌های سازمان‌یافته بین‌المللی در پژوهش دانش بومی جوامع سنتی می‌گذرد. در ابتدا این پژوهش‌ها صرفاً برای یادگیری فنون و ابزار تولید کشاورزی، معماری و طب سنتی و به منظور ابداع «تکنولوژی مناسب» (نوعی از فناوری که به محیط زیست و انسان‌ها آسیب نمی‌رساند) صورت می‌گرفت. اما صاحب‌نظران توسعه هم اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که برای جلوگیری جدی از تبعات زیان‌بار توسعه صنعتی، بهره‌برداری مقطعی و یا دست‌کاری‌های موردی در نظام توسعه صنعتی (یعنی فقط جای‌گزین کردن تکنولوژی مناسب به جای برخی فناوری‌های صنعتی)، کافی

«... گاه با حذف تمام دلایل اقتصادی، زن‌ها در واره باقی می‌مانند و این بی‌شک به خاطر کارکردهای دیگری است که حداقل به عنوان مقوم، واره را تقویت می‌کردند. این کارکردها در واقع، کارکردهای اجتماعی - روانی و کارکردهای تفریحی - آموزشی واره است که می‌توان آن‌ها را اصطلاحاً کارکردهای پنهانی واره نامید.» (ص ۳۰۹).

دکتر فرهادی به جایگاه «پذیرفته شده» اعضای واره در جامعه سنتی نیز اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که چگونه عدم عضویت در واره، برای زن و خانواده او موجب اشکال در بسیاری از مراودات اقتصادی و اجتماعی می‌شده است. عضویت در واره هم‌چنین جواب‌گوی نیاز زنان به درد دل، مبادله تنش‌ها و تشریف روانی و نیز تبادل تجربه در مورد انواع مسایل دامداری، زراعت، درمان و بهداشت خانواده، مسایل دوران بارداری و زایمان بوده است. نیاز اجتماعی زنان به حفظ استقلال مالی و فنی از مردان نیز از دیگر انگیزه‌های هم‌بستگی زنان به تشکیل واره است که موجب تقویت حس اقتدار مدیریت در میان زنان می‌شده است (ص ۳۱۷).

شرح جشن‌ها و رسومات دیگر (از جمله تأکید بر سحرخیزی، آب جاروکردن، اهدای هدایا، به تخت نشستن سرواره، پختن آش، پوشیدن لباس تمیز و مرتب) (صص ۴۱۳-۳۷۹) حاکی از سهم عمده کارکردهای فرهنگی در کارآیی و انسجام واره است.

بدون شک، با مطالعه دقیق کتاب واره، «فرهنگ» را شرط لازم برای قوام و استواری واره می‌توان شناخت. اما شرط کافی برای پایداری این تشکل اقتصادی، رعایت دقیق انصاف و عدالت بوده است. این واقعیت را از دقت مفرط اعضای واره در پیمانانه کردن شیر می‌توان استنباط کرد. در این خصوص، شگردهای خاص زنان برای جبران کردن و یکسان کردن شیرها (به طوری که در پایان کار واره، نه کسی بده‌کار و نه بستان‌کار باشد)

18- در این خصوص، در تحقیقاتی که در منطقه پشتگزار محلات (دهستان خوره) توسط ایستگاه تحقیقاتی دانش بومی پیرامون گونه‌شناسی تشکلات سنتی انجام شد، راین محلی، مهم‌ترین دلیل فروپاشی واره‌های منطقه را به وجود آمدن تفاوت فاحش در کیفیت شیر دامداران مختلف توصیف کردند. ترویج گاوهای خارجی (پرشیر، اما کم چرب) و تنوع و تقلب در شیوه‌های تغذیه (مثلاً استفاده از نان خشک) و حذف کردن علوفه مقوی مرتعی (مثل کنگر، گون و شکر تیغال) از جیره بعضی از دام‌ها، موجب شده است که کیفیت شیر دامداران همگی یکسان نباشد. به دیگر سخن، یک پیمانانه شیر یک عضو واره (از نظر میزان چربی و دیگر خواص) با یک پیمانانه شیر عضو دیگر نیست. و چون راهی برای سنجش و مقایسه دقیق کیفیت شیرها وجود نداشته است، واره قادر به حفاظت از حقوق اعضا نبوده و لذا از هم پاشیده است (عباسی، ۱۳۸۰).

علمی توسعه بوده است.^۱ اما از هر کدام از این دو دیدگاه (متمرکز و یا غیر متمرکز) که به مسایل توسعه بنگریم، ضرورت هم‌فکری و همکاری مردم (با هم و با دولت) در بهتر شدن شرایط کنونی انکارناپذیر است. بنابراین، در تلاش برای حل مسایل توسعه، صرفاً تکیه بر راه‌کارهای اقتصادی و یا فناوریانه کافی نیست؛ این تلاش‌ها می‌باید جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی را جدأ لحاظ قرار دهد. به عبارت صریح‌تر و روشن‌تر، برنامه‌ریزی‌های متمرکز، یا غیرمتمرکز، بدون در نظر گرفتن جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی (همان‌جا جنبه‌های انسانی) توسعه، بدوآ ناقص و ناموفق‌اند.

در چنین شرایطی است که کتاب واره به عنوان چک لیستی جامع برای اجتناب از نادیده گرفتن جزئیات تشکیل‌سازی و اقدام هم‌آهنگ در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های توسعه فراهم آمده است. این سؤالات می‌توانند راهنما و معیار ما در چاره‌اندیشی و طراحی راه‌کارهای سیستمی برای حل مسایل گوناگون شهری و روستایی کشور قرار گیرد:

- افراد (و سازمان‌های) ذی‌نفع در مسئله مورد نظر کدامند؟

نیست. لذا تلاش گسترده‌ای برای بهره‌برداری فرهنگی و اجتماعی از یافته‌های دانش بومی نیز آغاز شده است. از این رو، پژوهش در زمینه‌هایی چون شیوه‌های سنتی تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان، روش‌های یاری‌گری و تشکیل‌سازی، و نیز شناخت‌شناسی بومی آغاز شده است. قطعاً کاربرد این یافته‌ها در توسعهٔ جوامع دنیا، دگرگونی اساسی و دراز مدتی را در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی نوید می‌دهد. (عباسی، ۱۳۸۱).

از این رو، انتشار کتاب واره، که بررسی همه جانبه یکی از گسترده‌ترین و پر دوام‌ترین نظام‌های یاری‌گری سنتی در ایران را در بر می‌گیرد، بسیار به هنگام است. مسلماً بسیاری از مسایل جامعهٔ مدرن برخاسته از زیاده‌خواهی‌ها و فردگرایی‌ها در جوامع انسانی است و بنابراین انسان‌ها (یعنی فرد فرد ما) می‌توانند (و باید) در راستای حل این مسایل گام بردارند. اما به لحاظ مقیاس منطقه‌ای، ملی و جهانی این مسایل، کاربرد مؤثر راه‌کارهای ترمیمی مستلزم اقدامی هماهنگ (بین مردم و بین مردم و دولت) است.

تا کنون، اقدام دولت‌ها در اجرای طرح‌های توسعه (در شهر و روستا) تلاشی متمرکز (از بالا به پایین) بوده است. اما با گذشت هر سال، با بحرانی‌تر شدن مسایل توسعه، عدم کارایی اقدامات متمرکز، بیشتر آشکار می‌شود. از این رو، در دههٔ اخیر صاحب‌نظران توسعه در محافل بین‌المللی، بر لزوم برنامه‌ریزی توسعه و مدیریت منابع به طور غیر متمرکز (یعنی با مشارکت مردم محلی) تأکید کرده‌اند، (Grimble, Robin and Martyn Laidlaw, 2002; Pimbert, M.P., 2002; Pimbert, M.P. and J.N. Pretty, 1998; Register and Peek, 1997; Shackleton, S. and others 2002) روش‌های متفاوت ترویج «مدیریت محلی منابع» و «برنامه‌ریزی توسعه با مشارکت مردم» (در شهرها و در جوامع روستایی) موضوع بسیاری از گردهم‌آیی‌های

19 - یکی از سازمان‌های بین‌المللی علاقه‌مند به دانش بومی و مشارکت گسترده‌تر مردم در مدیریت منابع و برنامه‌ریزی توسعه، سازمان بهره‌وری آسیایی (APO) است. سازمان بهره‌وری آسیایی، سازمانی بین دولتی است که برای اشاعهٔ راه‌کارهای جدید توسعه در افزایش بهره‌وری (عمدتاً صنعتی) در کشور آسیایی می‌کوشیده است. اما از سال ۱۹۹۶ به این سو، با آغاز فعالیت بخش «توسعهٔ همه‌جانبهٔ محلی» این سازمان، تعریف جدیدی برای «بهره‌وری» ارائه کرده است. در حال حاضر، سازمان بهره‌وری آسیایی، هدف از بالا بردن بهره‌وری را نه صرفاً افزایش کمی تولید، بلکه بهبود بخشیدن به «کیفیت زندگی» برای جوامع تعریف کرده است. (برای اطلاع بیشتر در مورد سازمان بهره‌وری آسیایی و استفاده از رساله‌های ارائه شده در کنفرانس‌های مختلف این سازمان، با سازمان بهره‌وری ملی ایران تماس بگیرید. برای تعابیر جدید (و سیستمی) از مفهوم بهره‌وری، نک به (Monga, 1995).

پایدار و کارآمد قابل طراحی و قابل اجرا می‌شوند.

همان‌طور که در ابتدای کلام نیز اشاره شد، برکت‌پایداری توسعه را تنها از شناخت سیستمی مسایل و ابداع راهکارهای سیستمی می‌توان انتظار داشت.

در پایان، ناگفته نماند که برداشت‌ها و کاربردهای گوناگونی که از یافته‌های کتاب واره قابل اقتباس است، خود از برکات دیدگاه سیستمی مؤلف آن است. دکتر مرتضی فرهادی مرزی بین میراث معرفتی گذشته ما و آنچه هم اکنون به عنوان علم می‌شناسیم قایل نیست. او کل نظام معرفتی بشر را یک فرایند یک‌پارچه و در حال تکامل می‌بیند. او دانش بومی و راه‌کارهای سنتی را مجموعه‌ای از دانش تجربی بشر می‌داند که نه تنها از طریق علم کاملاً قابل فهم و ادراک است بلکه برای ابداع راه‌کارهای مناسب قرن بیست و یکم ضروری است. مرتضی فرهادی، دانش و صنعت مدرن را سازه‌ای نوین بر پایه‌های سترگ دانش بومی می‌داند، (فرهادی، ۱۳۷۸ الف، ۱۳۷۸ ب و ۱۳۷۹ و میزگرد، ۱۳۷۹). یکی از برکات نگرش جامع دکتر فرهادی به کل میراث معرفتی بشر، کتاب واره است که مسلماً در سال‌های آتی الهام‌بخش صدها کتاب و مقاله دیگر در مورد واره و دیگر سنت‌های یاری‌گری ایران و دیگر نقاط جهان خواهد بود.

- چه تغییرات فرهنگی، اجتماعی، فنی، اقتصادی و یا محیطی در ایجاد و یا تشدید مسئله دخیل بوده‌اند؟

- ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی مسئله مورد نظر چیست؟

- عوامل بازدارنده: اجتماعی و فرهنگی برای همکاری بین افراد (وسازمان‌های ذی‌نفع) چیست؟

- چه عوامل محیطی (طبیعی یا ساخته دست بشر) موجب تشدید و یا تخفیف مسئله می‌شود؟

- هم‌زمان با اجرای طرح، چه فعالیت‌های فرهنگی (و یا آموزشی) می‌باید ارایه شود؟

- چه سنت‌ها و اعتقادات موجود به اجرای مشارکتی طرح کمک می‌کند؟

- آیا از ابتدای کار طرح، «خودگردانی» نهایی آن، توسط خود مردم (بدون دخالت و هزینه دولتی) را پیشاپیش می‌توان پیش‌بینی و تضمین کرد؟

- کدام یک از دیگر نیازهای افراد ذی‌نفع و خانواده‌های آنان (از لحاظ فرهنگی، اجتماعی، روانی، تفریحی، بهداشتی و اقتصادی) را با طراحی و اجرای مشارکتی این طرح می‌توان پیوند داد؟

- کدام یک از دیگر مسایل کنونی جامعه را به طرح مورد نظر می‌توان پیوند داد؟

- اجرای طرح حاضر چه اثرات مطلوب (یا نامطلوبی) بر فرهنگ و جامعه فعلی می‌گذارد؟

بدیهی است که تمرکز سؤالات بالا بیشتر بر مطالعه عوامل فرهنگی و اجتماعی است. این بدان معنی نیست که دیگر عوامل (اقتصادی، سیاسی، بین‌المللی، فنی، و غیره) را نباید در نظر گرفت. بلکه این تمرکز، به منظور تأکید بر جوانبی از چاره‌جویی توسعه است که تاکنون کمتر به آن توجه کرده‌ایم. با در نظر گرفتن تمامی جوانب مسایل موجود (به ویژه عوامل اجتماعی و فرهنگی) راه‌حل‌های سیستمی

-Koestler, Arthure, 1971, **Bey and Reductionism** Beacon press.

-Monga, R. C. 1995, Emerging concept , process and Dynamics of productivity- Quintessential Features, **New Trends in produaivity Tokyo,APO**

-Pimbert, M.P, 2002, **Towards Democratic Control and Participation in the Management of Agricultural Biodiversity.** London: Growing Diversity and International Institute for Environmental Development (IIED).

-Pimbert, M.P.and J.N.pretty, 1998, Diversity and Sustainability in community based conservation in Kothari, A,R. V.Anuradha,N.pathak and B.Taneja(eds). **Comunwnities and Conservation : Natural Resource Management in South and Central Asia** London and New Delhi: UNESCO and Sage publications, p. 58-77.

-Register, Richard and Brady Peeks (eds)Village wisdom, Future Cities Berkeley: Ecocity Builders.

-Shackleton, S. and others, 2002, Devolution and Community-based Natural Resource Management : Creating Space for Local people to participate and Benefit ? ,**ODI Natural Resource Perspeaives** No. 76, March

-Wilber, Ken, 1995, **Sex, Ecology, spirituality: The Spirit of Evolution**, shambala

منابع

- عباسی، اسفندیار، ۱۳۷۸، دگرگونی اندیشه در جهان: کاربرد اجتماعی و فرهنگی دانش بومی در توسعه پایدار، فصل نامه علوم اجتماعی ش ۱۵ و ۱۶.

- _____، ۱۳۸۰، **تعاونی‌های رسمی یا مشارکت شبکه‌ای در روستاها.** گزارش داخلی) ایستگاه تحقیقاتی دانش بومی خوره.

- فرهادی، مرتضی، ۱۳۷۹، بحران محیط زیست در ایران و لزوم بازنگری به دانش‌های بومی، **نمایه پژوهش** ش ۱۳ و ۱۴، بهار و تابستان.

- _____، ۱۳۷۸ الف، گذشته تنها یک گذشته نیست: لزوم پژوهش در دانش و کار ابزارهای سنتی ایران، در حکمت دیرین در عصر نوین: کاربرد دانش بومی در توسعه پایدار، جلد ۱: مبانی، مفاهیم و باورهای حاکم، (تألیف و گردآوری، محمد حسین عمادی و اسفندیار عباسی) تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی جهاد سازندگی.

- _____، ۱۳۷۸ ب، **مردم‌نگاری دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی، نمایه پژوهش** ش ۱۱ و ۱۲، پاییز و زمستان.
میزگرد، ۱۳۷۹، دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی در آینه علم و تجربه صاحب‌نظران، **نمایه پژوهش** ش ۱۳ و ۱۴، بهار و تابستان.

-Grimble, Robinand Martyn Laidlaw (2002) **Biodiversity Management and Local Livelihoods: Rio plus 10 ODI Natural Resource perspeaives** No. 73, January

-Harman, Willis (1998) **Global Mind Change.** San Francisco:loNS.